

## بررسی تطبیقی

# فضایل اخلاقی و ویژگی‌های حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم و تورات\*

- عباس مصلاهی پور یزدی<sup>۱</sup>
- مرتضی قاسمی حامد<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مطالب مشترک بین قرآن و کتب آسمانی گذشته، بیان قصه‌های مربوط به انبیا علیهم السلام است. بیان تفاوت‌های داستان‌سرایی در قرآن با دیگر کتب آسمانی به صورت روشمند و با تأکید بر فضایل اخلاقی و ویژگی‌های یوسف علیه السلام از اهداف نگارش این مقاله است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده به روش توصیفی - تحلیلی، فضایل اخلاقی و ویژگی‌های یوسف علیه السلام در قرآن و تورات به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اختصاصی قرآن؛ ۲. اختصاصی تورات؛ ۳. مشترک بین قرآن و تورات. مراد از ویژگی‌ها، شاخصه‌های زندگی یوسف علیه السلام است که به واسطه آن‌ها معرفی می‌شود. محوریت سرگذشت یوسف علیه السلام در قرآن، فضایل اخلاقی و شخصیت والای اوست، ولی محوریت آن در تورات، تاریخ زندگی اوست، به طوری که به بیان جزئیات پرداخته و ترتیب تاریخی در آن رعایت شده است. نتیجه

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱.

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام (mossallae@isu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mor.ghasemihamed@gmail.com).

بررسی این دو کتاب آسمانی در این زمینه، این است که شخصیت ایشان در قرآن، درخشان‌تر از تورات است؛ چون با دلایل روشن آمده، هدایت شده و به هدایت مردم می‌پردازد، اما در تورات از هدایت کردن او خبری نیست و حتی به تهمت جاسوسی دادن به برادران توصیف می‌شود. با این حال، نقطه مشترک دو کتاب، این است که در هر دو، دامن یوسف علیه السلام از معاصی پاک است.

**واژگان کلیدی:** یوسف علیه السلام، قرآن کریم، تورات، قصص قرآن، فضایل اخلاقی، پیامبران.

### طرح مسئله

سرگذشت یوسف علیه السلام در قرآن و تورات را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد: دوران کودکی (از تولد تا نجات از چاه)، دوران جوانی (از ورود به خانه عزیز مصر تا آزادی از زندان) و دوران وزارت (از عزیز مصر شدن تا وفات). جستار حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: سرگذشت یوسف علیه السلام در قرآن و تورات، از نظر شیوه بیان، چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ یوسف علیه السلام در قرآن و تورات، از چه فضایل اخلاقی و ویژگی‌هایی برخوردار است؟

هرچند درباره مطالعه تطبیقی زندگانی پیامبران در قرآن و کتاب مقدس، کتاب‌ها<sup>۱</sup> و پایان‌نامه‌هایی<sup>۲</sup> نوشته شده‌اند، آن‌ها صرفاً به بررسی تفاوت‌ها و اشتراکات کلی سرگذشت پیامبران پرداخته و ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی ایشان را در این دو کتاب بررسی نکرده‌اند. اما جستار حاضر، به بررسی ویژگی‌های مذکور می‌پردازد.

## ۱. مقایسه کوتاه سرگذشت حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم و تورات

نام مادر، جریان تولد و چگونگی نام‌گذاری یوسف علیه السلام در قرآن نیامده است، اما در

۱. مانند القرآن و التوراة این یثقفان و این یفتقران تألیف حسن الباش، مقایسه قصص در قرآن و عهدین نوشته عباس اشرفی و داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازناب آن در ادبیات فارسی اثر محمدحمید یزدان‌پرست لاریجانی، الفروقات بین القرآن و التوراة المفتراة (قصه یوسف) تألیف خلیل سلیمان، یوسف فی القرآن الکریم و التوراة: دراسة مقارنة للمشاهد و العبر نوشته زاهیه راغب الدجانی و اندوه یعقوب (روایتی از یعقوب تورات تا یوسف قرآن) اثر علی طهماسبی.

۲. مانند النصوص المتصلة بسیدنا یوسف فی القرآن الکریم و التوراة: دراسة صوتیة و دلالية مقارنة تألیف حامد احمد بن سعد الشنبری، داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن و تورات نوشته جواد گرمایی و بررسی تحلیلی داستان حضرت یوسف علیه السلام از نظر قرآن و تورات اثر مهین اشراقی.

تورات بیان می‌گردد که خداوند دعای راحیل (مادر یوسف عَلَيْهِ السَّلَام) را اجابت کرد و پسری به او عطا فرمود. راحیل پس از به دنیا آوردن یوسف عَلَيْهِ السَّلَام برای اینکه خداوند پسر دیگری نیز به او بدهد، نامش را «یوسف» گذاشت (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۵۶). نام برادر یوسف عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن نیامده است، اما در تورات نامش «بنیامین» ذکر می‌شود (همان: ۶۸). در تورات، از اصرار برادران برای بردن یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به صحرا خبری نیست، بلکه یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام، خود یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را نزد برادران می‌فرستد تا از سلامت آن‌ها و گوسفندان خبر بیاورد (همان: ۷۲). سن یوسف عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی که او را در چاه می‌اندازند، در قرآن نیامده است، اما در تورات سنّ او ۱۷ سال ذکر می‌شود (همان: ۷۱). در تورات، از صبر جمیل یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام خبری نیست، بلکه او بعد از شنیدن سخن پسران، آن را حقیقت می‌پندارد، گریبان چاک می‌کند و به گریه و زاری می‌پردازد (همان: ۷۳). در تورات، مبلغ فروش یوسف عَلَيْهِ السَّلَام ۲۰ پاره نقره ذکر می‌شود (همان)، در صورتی که در قرآن، به طور دقیق نیامده است. نام عزیز مصر، در قرآن نیامده است، اما در تورات «پوطیفار» ذکر می‌شود (همان: ۷۳-۷۵). البته تنها در قرآن، عنوان عزیز برای او به کار رفته است و در تورات، با این عنوان معرفی نمی‌شود. نام همسر عزیز مصر، در قرآن و تورات نیامده است، اما گفته‌اند که نام او «راعیل» یا «زلیخا» بوده است. برخی گفته‌اند که نام او «راعیل» و لقبش «زلیخا» بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۴۱/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۶/۱؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۲۶۸/۱۲). البته در تلمود نیز با نام زلیخا معرفی شده است (کهن، ۱۳۵۰: ۱۵۵). نکته قابل توجه اینکه ابوالفتح رازی، نام غیر مشهور «فکا» را برای او ذکر کرده است (۱۴۰۸: ۳۶/۱۱). در تورات بر خلاف قرآن ذکر می‌شود که پوطیفار چون سخنان زن خود را شنید، بر یوسف عَلَيْهِ السَّلَام غضب کرد و او را به زندان انداخت (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۷۷). از پادشاه در تورات با عنوان «فرعون» و در قرآن با عنوان «ملک» یاد می‌شود. این نشان‌دهنده اعجاز قرآن است؛ زیرا در زمان یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، پادشاهان مصر، عنوان «ملک» داشتند و بعدها در زمان موسی عَلَيْهِ السَّلَام به «فرعون» ملقب شدند. از این رو در قرآن، از پادشاه زمان موسی عَلَيْهِ السَّلَام به «فرعون» تعبیر می‌گردد (بی‌آزار، ۱۳۸۲: ۳۵۹). در تورات ذکر می‌شود که در خواب پادشاه، هفت خوشه خشک، هفت خوشه سبز را بلعیدند (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۱)، در صورتی که در قرآن، فقط دیدن هفت خوشه سبز

و هفت خوشه خشک توسط پادشاه بیان می‌گردد. میزان عمر و چگونگی وفات یوسف علیه السلام در قرآن نیامده است، اما در تورات بیان می‌گردد که یوسف علیه السلام ۱۱۰ سال زندگی کرد و چون درگذشت، او را مومیایی کردند و در تابوت گذاشتند (همان: ۱۰۱-۱۰۲). نام سرزمین یعقوب علیه السلام در قرآن نیامده، اما در تورات نامش «کنعان» است (همان: ۶۸-۷۱). در تورات، مادر یوسف علیه السلام به هنگام تولد بنیامین از دنیا رفت، از این رو از وارد شدن او بر یوسف علیه السلام خبری نیست (همان: ۶۸).

از آنچه گفته شد، رویکرد تاریخی تورات در داستان یوسف علیه السلام کاملاً آشکار می‌شود؛ زیرا در آن به ذکر جزئیات پرداخته شده است که عبارت‌اند از: نام مادر، جریان تولد، چگونگی نام‌گذاری، نام برادر، سن یوسف علیه السلام هنگامی که او را در چاه می‌اندازند، مبلغ فروش او، نام عزیز مصر و نام سرزمین یعقوب علیه السلام. همچنین در تورات، ترتیب تاریخی برای ذکر داستان کاملاً رعایت شده است، در صورتی که در قرآن، از این جزئیات و این ترتیب تاریخی خبری نیست. این مسئله، تفاوت دید قرآن را به این داستان نشان می‌دهد که هدف تنها هدایت بوده است و چون در اجرای این هدف، بیان جزئیات و رعایت ترتیب تاریخی مهم نبوده، به آن پرداخته است. از این رو، جنبه هدایتگری یوسف علیه السلام و خدایی بودن و فضایل بی‌ظن او در قرآن بیش از تورات نمایان است.

## ۲. فضایل اخلاقی حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم

یوسف علیه السلام تنها پیامبری است که سرگذشت زندگی‌اش، در یک سوره و به نام خودش آمده است. مهم‌ترین فضایل اخلاقی یوسف علیه السلام بر مبنای آموزه‌های قرآن به شرح زیر است:

### الف) برخوردار از علم و حکم (نبوت)

هنگامی که یوسف علیه السلام به بلوغ رسید، خداوند حکم (نبوت) و علم را به او عطا کرد و سپس او را به رسالت برگزید و با دلایل روشن برای هدایت مردم فرستاد (یوسف/ ۲۲؛ غافر/ ۳۴). بنابراین از جمله خصوصیت‌های اخلاقی پیامبران، عالم بودن است که لازمه رسیدن به پیامبری و رسالت است.

## ب) نیکوکار بودن

در پنج آیه از سوره یوسف و یک آیه از سوره انعام، ایشان در زمره نیکوکاران شمرده شده است (یوسف / ۲۲، ۳۶، ۵۶، ۷۸ و ۹۰؛ انعام / ۸۴).

## ج) برخورداری از پاک دامنی

در جریان مواجهه یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ با زلیخا، پاک دامنی ایشان به خوبی به تصویر کشیده می شود، به طوری که او در جواب خواسته نامشروع زلیخا، به خدا پناه می برد و به آقای خود (عزیز مصر) خیانت نمی کند و از معرکه می گریزد (یوسف / ۲۳-۲۵). اما علاوه بر این تصویر عملی، در چهار زمان بر پاک دامنی او شهادت داده می شود: ۱. شهادت شاهی از خانواده زلیخا نزد عزیز با ارائه برهان (یوسف / ۲۶-۲۸). درباره شاهد گفته اند که کودکی در مهد بوده که پسر خواهر یا پسرعموی زن عزیز بوده است و نیز گفته اند که مردی همراه زوج او (عزیز) بوده است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۰۰/۲؛ شبر، ۱۴۱۲: ۲۴۲). کاشانی می گوید که قول صحیح به استناد حدیث پیامبر این است که کودکی در مهد و پسردایی زلیخا بوده است (۱۴۲۳: ۳/۳۶۰). البته درباره اینکه شاهد چه کسی بوده است، نظرات مختلفی وجود دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۵/۱۲؛ طوسی، بی تا: ۱۲۶/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۴۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲/۱۸۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰/۱۷۲). ۲. گواهی دادن زلیخا نزد زنان قصر (یوسف / ۳۲). ۳. گواهی دادن زنان قصر نزد پادشاه (یوسف / ۵۱). ۴. گواهی دادن زلیخا نزد پادشاه (یوسف / ۵۱).

## د) بنده مخلص خدا بودن

خداوند برهان خود را بر او عرضه داشت تا با آن، بدی و فحشا از او دور شود؛ زیرا او از بندگان مخلص خدا بود (یوسف / ۲۴). خداوند متعال تصریح کرده است که مخلصین کسانی هستند که از هر گونه اغوای شیطان مصون هستند (حجر / ۴۰). خازن بغدادی می نویسد: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ»؛ یعنی او از بندگانی است که آن‌ها را برای نبوت برمی گزینیم و برای هدایت دیگران انتخاب می کنیم (۱۴۱۵: ۲/۵۲۳). پس شرط اینکه بتواند به هدایت دیگران پردازد، این است که از بدی و فحشا به دور باشد.

### ه) توکل بر خدا و مددخواهی از او

بعد از جریان زلیخا و زنان قصر، یوسف علیه السلام بر خدا توکل کرد و از او مدد خواست تا شرّ آنان را از او دور گرداند و خداوند دعای او را اجابت کرد (یوسف / ۳۳-۳۴). همچنین در جای دیگر، از خداوند طلب خیر می‌نماید (یوسف / ۱۰۱).

### و) بیزاری از کفر و بی‌ایمانی

یوسف علیه السلام هنگام سخن گفتن با دو زندانی و هدایت آن‌ها، بیزاری خود را از کفر و بی‌ایمانی بیان می‌دارد (یوسف / ۳۷).

### ز) پیروی از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام و دوری از شرک

او هنگام سخن گفتن با دو زندانی، خود را پیرو آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که به خاطر آن، از شرک دوری کرده است (یوسف / ۳۸).

### ح) بهره‌برداری از فرصت‌ها به شکل نیکو

یوسف علیه السلام از فرصت استفاده می‌کند و پیش از تعبیر خواب دو زندانی، آن دو را به راه راست هدایت می‌نماید (یوسف / ۳۷-۴۰). در پاسخ به اینکه چرا او خواب آنان را فوری تعبیر نکرد و آن را به وقتی دیگر موکول کرد؟ باید گفت: ۱. می‌خواست آن‌ها را در انتظار قرار دهد تا کمی تبلیغ و ارشاد کند، شاید شخص اعدامی ایمان آورد و با حُسن عاقبت از دنیا برود؛ ۲. می‌خواست با بیان نوع غذایی که نیامده، اعتماد آنان را جلب کند؛ ۳. می‌خواست آن‌ها را تشنه‌تر کند تا بهتر بشنوند؛ ۴. چون تعبیر خواب یکی از آن‌ها اعدام بود، کمی طفره رفت تا قالب تهی نکند (رازی، ۱۴۲۰: ۴۵۵/۱۸). پس از این آیه فهمیده می‌شود که از فرصت‌ها باید به بهترین شکل استفاده نمود. یوسف علیه السلام قبل از تعبیر خواب، کار فرهنگی و اعتقادی خود را شروع کرد (قرآنی، ۱۳۸۳: ۷۸/۶).

### ط) طلب وسیله به سوی خدا

حضرت یوسف علیه السلام بعد از تعبیر خواب دو زندانی، به یکی از آن دو که می‌دانست رهایی می‌یابد، سفارش می‌کند تا از او نزد شاه یاد کند، ولی شیطان این گفته را از خاطر زندانی می‌برد و او چند سالی در زندان باقی می‌ماند (یوسف / ۴۲). برخی روایات

در صدد هستند تا بیان نمایند که شیطان خدا را از یاد یوسف علیه السلام برد و بنابراین به بنده او متوسل شد، در صورتی که خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به سوی او وسیله طلب کنید» (مائده/ ۳۵). پس واسطه قرار دادن با توکل بر خدا منافاتی ندارد. همچنین یوسف علیه السلام به عنوان یکی از بندگان مخلص خدا، از وسوسه و تأثیر شیطان مصون است و هرگز به عقوبت عمل خود، دچار گرفتاری و حبس نمی‌گردد (ایروانی، ۱۳۸۷: ش ۶۵/۳۰؛ آرام، ۱۳۸۵: ش ۳۴/۳۸). بنابراین این روایات قابل قبول نیستند.

### ی) صدیق و بسیار راستگو بودن

وقتی زندانی ره‌اشده از بند، نزد یوسف علیه السلام می‌رود تا تعبیر خواب پادشاه را از او بپرسد، وی را مردی صدیق صدا می‌زند (یوسف/ ۴۶). در جای دیگر، زلیخا او را در زمرة راستگویان خطاب کرده است (یوسف/ ۵۱). صدیق یعنی بسیار راستگو (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲۲۷/۵). فرستاده به این دلیل یوسف علیه السلام را با این عنوان خطاب کرد که صداقت و راستگویی او را در تعبیر خواب خود و رفیقش دیده بود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۷۶/۲).

### ک) اقامه دلیل برای برائت خود

یوسف علیه السلام برای اثبات برائت خود نزد پادشاه دستور می‌دهد تا زنان قصر را احضار کنند و آنان بر پاک‌دامنی او شهادت می‌دهند و بدین وسیله برائت او اثبات می‌شود و این برای آن است که مبدا کسی گمان کند که وی به خاطر جرمی در زندان افتاده است (یوسف/ ۵۰-۵۳). پس بر انسان واجب است که با اقامه دلیل، خود را از گزند تهمت‌ها مصون نگاه دارد.

### ل) قابل اعتماد، نگهدارنده و آگاه بودن

هنگامی که پادشاه با یوسف علیه السلام صحبت کرد، او را فردی قابل اعتماد خطاب نمود (یوسف/ ۵۴). یوسف علیه السلام به هنگام گفتگو با پادشاه، خود را فردی نگهدارنده و آگاه خطاب می‌کند و از پادشاه می‌خواهد که او را سرپرست خزانه‌داری مصر گرداند (یوسف/ ۵۵).

### م) بهترین میزبان بودن

یوسف علیه السلام هنگام گفتگو با برادران که برای بردن آذوقه آمده بودند، خود را ملزم به ادای حق پیمانانه و بهترین میزبان خطاب می‌کند (یوسف / ۵۹).

### ن) برخورداری از تدبیر و زیرکی

تدبیر و زیرکی یوسف علیه السلام در چگونگی آوردن و نگاه داشتن بنیامین در مصر به خوبی به تصویر کشیده شده است که این تدبیر و زیرکی را خداوند به او آموخته است (یوسف / ۵۸-۹۲). در قرآن، وقتی برادران یوسف علیه السلام برای بردن آذوقه نزد او آمدند، وی به خوبی از آن‌ها پذیرایی کرد، اما به آن‌ها گفت که اگر می‌خواهند برای بار دیگر نزد او بیایند، باید برادر دیگرشان را نیز با خود بیاورند. پس بنیامین را با خود همراه می‌کنند و برای بار دوم نزد یوسف علیه السلام می‌روند. او نیز برای اینکه بنیامین را نزد خود نگهدارد، دستور می‌دهد تا جام پادشاه را در بار بنیامین بگذارند. برادران از یوسف علیه السلام می‌خواهند تا یکی از آن‌ها را به جای بنیامین نگهدارد، ولی او نمی‌پذیرد. برادر بزرگ‌تر شرم می‌کند که بدون بنیامین نزد پدر برگردد، بنابراین در آنجا می‌ماند و برادران دیگر برمی‌گردند. وقتی برای بار سوم برادران نزد یوسف علیه السلام می‌روند، خود را به آن‌ها معرفی می‌کند.

### س) برخورداری از تقوا، صبر و استقامت

یوسف علیه السلام هنگام گفتگو با برادرانش بیان می‌دارد که در اثر تقوا، صبر و استقامت، به این مقام والا رسیده است که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (یوسف / ۹۰).

### ع) برخورداری از گذشت و ایثار

یوسف علیه السلام با وجود آن همه بلا و سختی که برادرانش بر سر او آوردند، از گناه آن‌ها می‌گذرد و بیان می‌دارد که خداوند آن‌ها را می‌بخشد (یوسف / ۹۲).

### ف) احترام به پدر و مادر

وقتی برادران و پدر و مادر یوسف علیه السلام به مصر وارد می‌شوند، او پدر و مادر خود را در آغوش می‌گیرد و آن دو را بر تخت پادشاهی خود می‌نشاند و این گونه احترام به پدر و مادر را به تصویر می‌کشد (یوسف / ۹۹-۱۰۰).



### ۳. ویژگی‌های حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم

علاوه بر فضایل اخلاقی پیش گفته، ویژگی‌هایی برای ایشان در قرآن ذکر شده است که مراد از آن‌ها، شاخصه‌های زندگی حضرت یوسف علیه السلام می‌باشد که به واسطه آن‌ها معرفی شده است؛ یعنی مواهبی که خداوند به او عطا فرموده، موقعیت‌هایی که در زندگی به آن‌ها دست یافته و رویدادهایی که در زندگی برای او رخ داده است. مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

#### الف) دیدن رؤیای صادقه

یوسف علیه السلام در کودکی در خواب دید که ۱۱ ستاره و خورشید و ماه در برابر او سجده می‌کنند و آن را برای پدرش تعریف کرد (یوسف/ ۴). بر اساس روایت علی بن ابراهیم قمی از امام باقر علیه السلام تعبیر این خواب هنگامی واقع شد که یوسف به پادشاهی مصر رسید و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد شدند و چون یوسف را دیدند برای شکرگزاری، خداوند متعال را سجده کردند. پس خورشید را حیل مادر یوسف علیه السلام، ماه یعقوب علیه السلام و ۱۱ ستاره برادرانش بودند (۱۴۰۴: ۳۳۹/۱) که نام‌های ایشان طبق روایت دیگری از علی بن ابراهیم قمی از جابر بن عبدالله انصاری عبارت بود از: طارق، حوبان، ذیال، ذوالکفین، وثاب، قابس، عمودان، فیلق، مصبح، صرح و فروع (همان).

#### ب) بشارت رسیدن به مقام والا

یعقوب علیه السلام بعد از شنیدن خواب یوسف علیه السلام به او بشارت می‌دهد که بدین وسیله خداوند او را برمی‌گزیند و نعمتش را بر او و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند (یوسف/ ۶).

#### ج) حسادت برادران به او

برادران یوسف علیه السلام از اینکه او نزد پدر محبوب‌تر بود، به وی حسد می‌ورزیدند و به این خاطر که پدرشان با وجود نیروی بدنی آن‌ها، یوسف علیه السلام را محبوب خود داشت، او را در گمراهی آشکار می‌دانستند (یوسف/ ۸). علت محبوبیت یوسف علیه السلام و برادرش نزد پدر، هوی و هوس نبود، بلکه این بود که یعقوب در جبین آن دو، آثار کمال و تقوا را مشاهده می‌کرد و آن‌ها از بندگان مخلص خدا بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۰/۱۱).

## د) برخورداری از علم تأویل و تعبیر خواب

در چهار آیه از سوره یوسف، برخورداری از علم تأویل و تعبیر خواب به او نسبت داده شده است (یوسف/ ۶، ۲۱، ۳۷ و ۱۰۱). در هر چهار مورد بیان شده که این موهبت از ناحیه خداوند به او عطا شده است. علاوه بر آیات فوق، آیات دیگری هستند که دو نمونه عملی از تعبیر خواب یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را به تصویر کشیده‌اند: تعبیر خواب دو زندانی و تعبیر خواب شاه (یوسف/ ۳۶-۴۱، ۴۳-۴۹). علامه طباطبایی می‌نویسد:

«تأویل» در جمله *﴿وَيُعَلِّمُكَ مِنَ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾* (یوسف/ ۶)، آن پیشامدی را گویند که بعد از دیدن خواب پیش آید و خواب را تعبیر کند و آن حادثه‌ای است که حقیقت آن در عالم خواب برای صاحب رؤیا مجسم شده، در شکل و صورتی مناسب با مدارک و مشاعر وی خودنمایی می‌کند (همان: ۷۹/۱۱).

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام از این علم برخوردار بوده و پیش از آنکه آن پیشامد رخ دهد، از آن خبر می‌داده است.

## ه) نزول وحی و الهام غیبی بر او

هنگامی که برادران، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را در چاه گذاشتند، خداوند بر او وحی فرستاد که روزی در آینده، آن‌ها را از این کارشان باخبر خواهد ساخت (یوسف/ ۱۵). فیض کاشانی ذیل تفسیر این آیه می‌گوید که در این زمان، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام بر او نازل شد و او را به آن خبر داد (۱۴۱۸: ۵۶۴/۱). به نقل از حسن بصری بیان شده است که در این زمان یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به پیامبری مبعوث شد، پس او را از آن مسئله باخبر ساختند (جصاص، ۱۴۰۵: ۳۸۱/۴؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰۹/۶). درباره چگونگی این وحی گفته شده که همانند وحی‌ای است که بر یحیی و عیسی عَلَيْهِمَا السَّلَام (در کودکی) نازل شد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۵۷/۳).

## و) فروخته شدن او به بهایی اندک

کاروانیان که یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را از چاه بیرون کشیدند، او را به بهایی اندک به عزیز مصر فروختند. خداوند در این آیات می‌فرماید:

*﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ\* وَشَرَوْهُ بِمَنْجِيِّ دِرْهَمٍ مَعْدُودَةٍ وَكُلُّوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ\* وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَأَمْرَأَةٌ أَمْرِي مِثْوَاهُ*

عَسَىٰ أَنْ يَفْعَلَهُ أَوْ يَخْتِذَهُ وَلَدًا...» (یوسف / ۱۹-۲۱)؛ و [در همین حال] کاروانی فرا رسید و مأمور آب را فرستادند [تا آب بیاورد]. او دلو خود را [در چاه] افکند. [ناگهان] صدا زد: «مژده باد! این کودکی است [زیبا و دوست‌داشتنی!]» و او را به عنوان کالایی [از دیگران] مخفی داشتند و خداوند به آنچه آن‌ها انجام می‌دادند، آگاه بود و [سرانجام] او را به بهایی اندک به چند درهم فروختند و نسبت به [فروختن] او، بی‌رغبت بودند [چرا که می‌ترسیدند رازشان فاش شود] و آن کس از [مردم] مصر که او را خرید [عزیز مصر] به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی بدار، شاید برای ما سودمند باشد و یا او را به عنوان فرزند انتخاب کنیم»....

مبلغ فروش یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۴۰ درهم ذکر کرده‌اند (قاسمی‌حامد، ۱۳۸۵: ۲۱). بنابراین طبق بیان قرآن، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام یک بار فروخته شد.

### ز) برخورداری از تمکن، قدرت و حکومت

در تعدادی از آیات سوره یوسف، برخورداری از تمکن، قدرت و حکومت به او نسبت داده شده است (یوسف / ۲۱، ۵۶ و ۱۰۱).

### ح) برخورداری از زیبایی

زیبایی یوسف عَلَيْهِ السَّلَام در جریان وارد شدن او بر زنان قصر، به خوبی به تصویر کشیده شده است، به طوری که بعد از دیدن او، بی‌اختیار دست‌هایشان را بریدند و گفتند که او بشر نیست، بلکه فرشته‌ای بزرگوار است (یوسف / ۳۱). در اینکه زنان قصر در این هنگام، چه اندازه دست‌های خود را بریدند، در میان مفسران گفتگوست؛ برخی آن را به صورت‌های مبالغه‌آمیز نقل کرده‌اند، ولی آنچه از قرآن استفاده می‌شود، این است که آنان محو جمال یوسف عَلَيْهِ السَّلَام گردیدند و دست‌های خود را مجروح ساختند و ابراز شگفتی کردند و نشان دادند که آن‌ها نیز دست کمی از همسر عزیز ندارند. این مطالب نشان می‌دهد که یوسف عَلَيْهِ السَّلَام از زیبایی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است.

### ط) داشتن جایگاهی والا و برتری داشتن بر برادران

پادشاه هنگام گفتگو با یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، او را فردی والا خطاب می‌نماید (یوسف / ۵۴). برادرانش نیز بیان می‌دارند که خداوند او را بر آن‌ها برتری داده است (یوسف / ۹۱).

### ی) رسیدن به عزیزی مصر

برادران یوسف علیه السلام هنگام گفتگو با او، در دو جا او را عزیز خطاب می کنند (یوسف / ۷۸ و ۸۸) که معلوم می شود او عزیز مصر شده است (اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

### ک) سفید شدن چشمان یعقوب علیه السلام در فراق او

یعقوب علیه السلام در فراق یوسف علیه السلام اندوه فراوان کشید، به طوری که چشمانش از گریه و اندوه فراوان سفید شد (یوسف / ۸۴).

### ل) دادن نسبت دزدی به او

هنگامی که پیمانہ در بار بنیامین پیدا شد، برادران گفتند که اگر او دزدی کرده، برادرش یوسف علیه السلام نیز قبل از او دزدی نموده است و بدین وسیله یوسف علیه السلام را به دزدی متهم نمودند (یوسف / ۷۵-۷۹). درباره این که چرا برادران، یوسف علیه السلام را دزد خواندند، تأویل های مختلفی بیان شده است؛ از جمله گفته اند: یوسف علیه السلام مدتی نزد خواهر یعقوب علیه السلام بود، اما بعد یعقوب علیه السلام او را مطالبه کرد. خواهر یعقوب علیه السلام که به یوسف علیه السلام دل بسته بود، برای اینکه او را نزد خود نگهدارد، کمر بند اسحاق علیه السلام را که نزد خود داشت، از زیر پیراهن بر کمر او بست تا بدین وسیله همگان گمان کنند که او آن را دزدیده است؛ چون در میان آن ها رسم بر این بود که دزد را به بردگی می کشیدند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۰/۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۱۷۸/۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۱۰/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۷/۱). این تأویل در دو روایت به نقل از امام رضا علیه السلام نیز بیان شده است (صدوق، بی تا: ۵۱-۵۰).

### م) بینا شدن چشمان یعقوب علیه السلام به برکت پیراهن او

یوسف علیه السلام دستور می دهد تا پیراهنش را ببرند و بر چشمان پدرش بیندازند تا بینا شود. برادران چنین می کنند و یعقوب علیه السلام بینایی خود را بازمی یابد (یوسف: ۹۳-۹۶).

### ن) هدایت یافتن توسط خداوند

خداوند بیان می دارد که او را همانند اسحاق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، موسی و هارون علیهم السلام هدایت کرده است (انعام / ۸۴).

#### ۴. فضایل اخلاقی حضرت یوسف علیه السلام در تورات

بر خلاف پیامبران دیگر، حضرت یوسف علیه السلام تنها پیامبری است که در تورات، دامانش از معاصی پاک است. از این رو بررسی فضایل اخلاقی این پیامبر در تورات دارای اهمیت است. فضایل اخلاقی ایشان در تورات از این قرارند:

##### الف) برخورداری از پاک دامنی

در جریان رویارویی یوسف علیه السلام با همسر پوطیفار، به خوبی پاک دامنی او به تصویر کشیده می شود، به طوری که در مقابل خواسته نامشروع زلیخا، به پوطیفار خیانت نمی کند و از معرکه می گریزد و جامه خود را در دست او رها می نماید (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۷۶).

##### ب) طلب وسیله به سوی خدا

حضرت یوسف علیه السلام بعد از تعبیر خواب دو زندانی، به یکی از آنها که می دانست رهایی می یابد، سفارش می کند تا او را نزد پادشاه یادآوری کند، ولی زندانی تقاضای او را از یاد می برد (همان: ۷۸-۷۹). همان طور که ملاحظه شد، در تورات نیز فراموشی به زندانی نسبت داده می شود، نه یوسف علیه السلام.

##### ج) برخورداری از فهم، دانش و عقل

فرعون، هنگام گفتگو با یوسف علیه السلام او را مردی فهمیده، دانشمند و عاقل یاد می کند (همان: ۸۰-۸۱). در جای دیگری پادشاه در گفتگو با ملازمانش، روح خداوند را در وجود یوسف علیه السلام جاری می داند (همان).

##### د) ترس از خدا

هنگامی که برادران یوسف علیه السلام نزد او آمدند تا خواروبار ببرند، سه روز آنها را در بازداشت نگه داشت و روز سوم به آنها گفت که من از خدا می ترسم، پس برادر کوچکتان را نزد من بیاورید تا زنده بمانید (همان: ۸۳).

##### ه) برخورداری از تدبیر و زیرکی

تدبیر و زیرکی یوسف علیه السلام در چگونگی آوردن و نگاه داشتن بنیامین در مصر به تصویر

کشیده شده است (همان: ۸۳-۸۸). در تورات، وقتی برادران برای بردن آذوقه، بر یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شدند، او آن‌ها را به جاسوسی متهم کرد و سپس سه روز آن‌ها را در بازداشت نگاه داشت. آنگاه یکی را زندانی کرد و بقیه را آزاد نمود و به آن‌ها دستور داد که بروند و برادر دیگرشان را نزد او بیاورند تا به این وسیله ثابت شود که جاسوس نیستند (همان: ۸۳). وقتی برادران برای بار دوم نزد او می‌آیند، دستور می‌دهد جام او را در بار بنیامین بگذارند تا بدین وسیله او را نزد خود نگهدارد. برادران از یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خواهند که یکی از آن‌ها را به جای بنیامین نگهدارد، اما او نمی‌پذیرد. برادر بزرگ‌تر شرم می‌کند که بدون بنیامین نزد پدر برگردد. بنابراین، یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در این زمان خود را به آن‌ها معرفی می‌کند (همان: ۸۷-۹۰).

### و) احترام به پدر

یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگام عزیمت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ به مصر، به استقبال او رفت و او را در آغوش کشید و گریست. همچنین پدر و برادرانش را در بهترین جای سرزمین مصر سکونت داد (همان: ۹۴-۹۵).

### ز) برخورداری از گذشت و ایثار

برادران یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ از خشم او نسبت به خود می‌ترسیدند، از این رو شخصی را نزد او فرستادند و تقاضای بخشش کردند و همچنین نزد او رفتند و گفتند که اینک غلام تو هستیم. ولی یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ با خوش‌رویی با آن‌ها رفتار نمود و گفت که خداوند از کار آن‌ها قصد نیکی داشت و به واسطه آن می‌خواست تا قوم زیادی را زنده نگهدارد و بدین وسیله از گناه آن‌ها درگذشت (همان: ۱۰۱).

### ح) دوری از نوشیدن شراب

از روزی که یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ از برادرانش جدا شد، هرگز شراب ننوشید؛ زیرا در سفر آفرینش فصل ۴۹ آیه ۲۶ آمده است که برکات پدرت بر سر یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود؛ بر فرق او که از برادرانش «نذیره» (برگزیده) شد (بزدان‌پرست لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۱۲). کسی که در بین یهودیان نذیره می‌شود، از نوشیدن بعضی چیزها از جمله شراب پرهیز می‌کند (همان: ۳۱۲، پاورقی حکاکیان).

## ط) تقدیس نام قدسی در خلوت

یوسف که نام قدسی را در خلوت تقدیس کرد، شایستگی آن را یافت که یک واژه از نام خداوند متعال به نام او افزوده شود، چنان که در کتاب مزمور باب ۸۱ آیه ۵ مکتوب است که این را شهادتی در یوسف تعیین فرمود (همان: ۳۱۳)؛ یعنی به جای «یوسف»، «یهوسف» نوشته شده و حرف «ه» یکی از حروف اسم اعظم «یهوه» می باشد (همان: ۳۱۳، پاورقی حکاکیان).

## ۵. ویژگی های حضرت یوسف علیه السلام در تورات

علاوه بر فضایل اخلاقی پیش گفته، ویژگی هایی نیز برای یوسف علیه السلام در تورات ذکر شده است که از این قرارند:

### الف) یوسف نامیده شدن به خاطر تولد پسری دیگر

راحیل مادر یوسف علیه السلام، نام او را یوسف گذاشت تا خداوند پسر دیگری علاوه بر یوسف علیه السلام به او بدهد. پس خواسته اش برآورده شد و پسر دیگری به دنیا آورد که هنگام زایمان او وفات کرد (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۵۶ و ۶۸).

### ب) چوپانی با برادران

یوسف علیه السلام هفده ساله بود که با برادرانش چوپانی می کرد (همان: ۷۱).

### ج) فرزند دوران پیری حضرت یعقوب علیه السلام بودن

یوسف علیه السلام فرزند دوران پیری یعقوب علیه السلام بود و به این خاطر، او را بیشتر از تمام فرزندانش دوست می داشت و برایش پیراهن ویژه ای درست کرده بود (همان).

### د) دیدن رؤیای صادقه

یوسف علیه السلام در تورات دو بار خواب می بیند؛ بار اول می بیند که او و برادرانش در کشتزار مشغول دسته بندی غلات بودند که ناگهان دسته او برخاسته و می ایستد و دسته های برادرانش بر دسته او سجده می کنند. پس آن را برای برادرانش تعریف می کند. بار دوم می بیند که خورشید و ماه و ۱۱ ستاره بر او سجده می کنند. پس آن را

برای پدر و برادرانش تعریف می‌کند (همان: ۷۱-۷۲).

### ه) اعتراض و شکایت نسبت به خواب او

وقتی یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام خواب یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را شنید، زبان به شکایت گشود و به او اعتراض کرد و گفت: آیا واقعاً من و مادرت و برادرانت بر تو سجده خواهیم کرد (همان). همان‌طور که مشاهده شد، یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام به زبان شکایت، تأویل خواب یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را بیان می‌کند، ولی در تورات از تحقق این تأویل خبری نیست. همچنین برادران نیز بعد از شنیدن خواب اول به او شکایت کردند و گفتند: آیا واقعاً تو بر ما پادشاهی خواهی کرد (همان).

### و) حسادت برادران نسبت به او

برادران یوسف عَلَيْهِ السَّلَام از اینکه پدرشان، او را بیشتر از آن‌ها دوست می‌داشت، با او دشمنی ورزیدند و چون خواب اول او را شنیدند، بر دشمنی‌شان افزوده شد و اما هنگامی که خواب دوم او را شنیدند، بر او حسد بردند (همان: ۷۱).

### ز) خبرچینی از برادران

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام اعمال بد برادرانش را به پدرش گزارش می‌داد و یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام او را نزد برادران می‌فرستاد تا از سلامت برادران و گوسفندان باخبر شود (همان: ۷۱-۷۲).

### ح) فروخته شدن او به بهایی اندک

برادران یوسف عَلَيْهِ السَّلَام او را به بهایی اندک به کاروانیانی که از آنجا می‌گذشتند، فروختند و کاروانیان نیز او را به سردار لشکریان فرعون یعنی پوطیفار فروختند (همان: ۷۳-۷۵). بنابراین طبق بیان تورات، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام دو بار فروخته شد.

### ط) در پناه خدا بودن و برخورداری از برکت او و رسیدن به فرمانروایی

خداوند با یوسف عَلَيْهِ السَّلَام بود و به او در کارهایش توفیق می‌داد، به طوری که وقتی پوطیفار این چنین دید، او را بر امور قصر گماشت و هر چه داشت به دست او سپرد. همچنین او به این خاطر که در پناه خدا بود و خداوند به او احسان می‌نمود، نزد رئیس زندان



احترام یافت و تمامی زندانیان را به دست او سپرد و تمامی کارهای آنان زیر نظر او بود (همان: ۷۵-۷۷). یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام هنگام گفتگو با پسرانش بیان می‌دارد که خداوند، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را از شر دشمنان کینه‌توز و حسود مصون نگاه داشت و برکتی عالی‌تر از والدینش به او ارزانی کرد (همان: ۹۹). یوسف عَلَيْهِ السَّلَام هنگام گفتگو با برادرانش بیان می‌دارد که خداوند او را بر تمام سرزمین مصر فرمان‌روا و مسلط ساخته است (همان).

### ی) برخورداری از علم تعبیر خواب

دو نمونه عملی از تعبیر خواب یوسف عَلَيْهِ السَّلَام عبارت‌اند از: تعبیر خواب دو زندانی و تعبیر خواب پادشاه (همان: ۷۸-۸۱). یوسف عَلَيْهِ السَّلَام هنگام گفتگو با پادشاه بیان می‌دارد که خداوند علم تعبیر خواب را به او عطا کرده است. در تورات، زندانی آزادشده، جریان تعبیر خواب‌هایشان توسط یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را برای پادشاه تعریف می‌کند و پادشاه بعد از شنیدن سخنان او دستور می‌دهد تا یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را نزدش بیاورند. پس یوسف عَلَيْهِ السَّلَام نزد پادشاه می‌آید و تعبیر خواب او را بیان می‌کند (همان: ۷۹-۸۱).

### ک) مایه نجات خانواده بودن

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام هنگام گفتگو با برادران بیان می‌دارد که خداوند او را از قبل برای بقای حیات آن‌ها به مصر فرستاده است (همان: ۹۰).

### ل) مایه برکت خداوند بودن

پوطیفار، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را بر امور خانه خود گماشت و خداوند به خاطر وجود یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به خانه او برکت داد (همان: ۹۹).

### م) برخورداری از زیبایی

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، خوش‌قیافه، زیبا، خوش‌اندام و نیکو‌منظر بود (همان: ۷۶).

### ن) دوری او و خاندانش از چشم بد

ربی یوحانان می‌گفت: «من از نسل یوسف پسر یعقوب هستم که چشم بد بر آن‌ها کارگر نمی‌شود»؛ چنان‌که در سفر آفرینش فصل ۴۹ آیه ۲۲ نوشته شده است:

«یوسف، شاخه باروری است؛ شاخه باروری بر سرچشمه». ربی اباهو درباره این آیه می گوید: «مخوان "عله عاین" (بر سرچشمه)، بلکه بخوان "عوله عاین" (مسلط بر چشم بد)». ربی یوسه بن حنینا گفت: «ربی یوحانان دلیل بر نظر خود را از آیه ۱۶ فصل ۴۹ سفر آفرینش که می گوید در میان زمین بسیار زیاد شدند، یافته است» (کهن، ۱۳۵۰: ۲۸۲).

### س) رسیدن به مقام دوم مصر

پادشاه بعد از گفتگو با یوسف علیه السلام او را مقام دوم مصر کرد و به او گفت که تنها بر تخت پادشاهی از او بزرگ تر است و به این ترتیب به او جاه و مقام داد و او را بر سرزمین مصر مسلط گرداند (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۹).

### ع) صاحب زن و فرزند

پادشاه، آسنات دختر پوطیفرع کاهن اون را به همسری یوسف علیه السلام داد و او برای یوسف علیه السلام دو پسر به دنیا آورد به نام های منسه و افرائیم (همان: ۸۱-۸۲ و ۹۳).

### ف) عمر ۱۱۰ ساله

یوسف علیه السلام تا سن ۱۱۰ سالگی در مصر زندگی کرد تا اینکه در این سن درگذشت (همان: ۱۰۱-۱۰۲).

## ۶. مقایسه فضایل اخلاقی و ویژگی های یوسف علیه السلام در قرآن و تورات

### الف) شباهت ها

بسیاری از فضایل اخلاقی و ویژگی های یوسف علیه السلام در قرآن و تورات با هم شباهت دارند، هرچند ممکن است از عبارت ها و جریان های متفاوتی اخذ شده باشند. این شباهت ها از این قرارند:

۱. دیدن رؤیای صادقه: در هر دو کتاب، یوسف علیه السلام در خواب می بیند که ماه و خورشید و ستارگان بر او سجده می کنند، اما در تورات علاوه بر آن، خواب می بیند که او و برادرانش در کشتزار مشغول دسته بندی غلات بودند که ناگهان دسته او برخاسته و

می‌ایستد و دسته‌های برادرانش بر دسته او سجده می‌کنند (بیزدان پرست لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۳۰؛ اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۴۰). بنابراین در تورات، یوسف علیه السلام دو بار خواب می‌بیند که خواب دوم او در این کتاب، مشابه خواب او در قرآن است. در قرآن، یوسف علیه السلام خواب را فقط برای پدرش بیان می‌کند، ولی در تورات هر دو خواب را برای برادرانش تعریف می‌کند و سپس خواب دوم را برای پدرش نقل می‌نماید (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۵۹). همچنین در قرآن، سخن از تأویل خواب «سجده ۱۱ ستاره و ماه و خورشید بر یوسف» در مصر می‌باشد که در تورات سخنی از آن نیست (اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۵۹). هرچند در زبان شکایت یعقوب علیه السلام به آن اشاره شده است. البته در تورات بیان می‌شود که وقتی برادران بر وی وارد شدند، بر او سجده و تعظیم کردند (کتاب مقدس تورات، ۱۳۶۴: ۶۵/۱). می‌توان این جریان را تعبیر خواب اول یوسف علیه السلام دانست.

۲. برخورداری از علم تأویل و تعبیر خواب: تنها قرآن از این علم به «تأویل» تعبیر می‌کند. در تورات، یوسف علیه السلام خواب پادشاه را در حضور خود او تعبیر می‌کند، ولی در قرآن آن را در زندان و برای فرستاده پادشاه تعبیر می‌کند (بیزدان پرست لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۳۰؛ اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۵۰؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۶۲). تنها در تصویر قرآن است که یوسف علیه السلام سال بعد از دوران هفت سال قحطی را هم پیشگویی می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۶۳).

۳. حسادت برادران نسبت به او: در هر دو کتاب، علت حسادت برادران محبوبیت او نزد پدر است، اما دلیل محبوبیت در این دو کتاب با یکدیگر متفاوت است. در تورات علت محبوبیت او، فرزند دوران پیری بودن و جاسوسی کردن از برادران بیان شده است؛ هرچند در قرآن علت محبوبیت ذکر نشده، ولی در تفاسیر، وجود آثار تقوا و کمال بیان شده است.

۴. فروخته شدن او به بهایی اندک: تنها در تورات مبلغ فروش بیان می‌شود، ولی در قرآن بیان نشده است. فروخته شدن یوسف علیه السلام در تورات دو بار و در قرآن یک بار اتفاق می‌افتد.

۵. برخورداری از قدرت، حکومت و فرمان‌روایی و برتری بر برادران: در هر دو کتاب علاوه بر توصیف او به این ویژگی‌ها، رسیدن او به قدرت، حکومت و

فرمان‌روایی نیز به تصویر کشیده شده است. از این رو، برادران به برتری او بر خودشان پی می‌برند.

۶. برخورداری از پاک‌دامنی: به روایت تورات، وقتی یوسف از چنگ زلیخا می‌گریزد، لباسش را نزد او جا می‌گذارد، اما به روایت قرآن، زلیخا جامه‌ او را از پشت می‌درد (یزدان‌پرست لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۳۰). تنها در قرآن چهار بار بر پاک‌دامنی او شهادت می‌دهند و در هر دو کتاب نامی از زلیخا نیامده است و او را همسر ارباب و همسر عزیز ذکر می‌کنند.

۷. برخورداری از زیبایی: در تورات، او به زیبایی توصیف می‌شود، ولی در قرآن در جریان زنان قصر، زیبایی او به طور عملی به تصویر کشیده می‌شود که جریان زنان قصر فقط در قرآن آمده است.

۸. توسل به زندانی: در قرآن، شیطان یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ را از یاد زندانی می‌برد، ولی در تورات، او خود فراموش می‌کند. نکته قابل توجه اینکه در هر دو کتاب، فراموشی به زندانی نسبت داده شده است.

۹. برخورداری از تدبیر و زیرکی: در تورات، یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در دیدار نخست، برادرانش را به جاسوسی متهم می‌کند و بعد یکی را گروگان نگه می‌دارد تا برادر کوچکشان را بیاورند، ولی در قرآن به آن‌ها احترام می‌گذارد و می‌گوید که اگر دفعه بعد برادرشان را نیاورند، دیگر از غله خبری نیست (اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۵۶؛ یزدان‌پرست لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۳۰). بنابراین در تورات، برادران مجبور بودند دوباره بیایند تا برادر را از بازداشت نجات دهند، ولی در قرآن چنین نیست، بلکه آن‌ها چون مهر و محبت یوسف را دیدند، بار دیگر راهی آنجا شدند، اما چون عهد کرده بودند، برادرشان را نیز با خود بردند. در تورات، یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در بار دوم که برادران نزد او می‌آیند، خود را به آن‌ها معرفی می‌کند، ولی در قرآن در بار سوم. همچنین در تورات، جام یوسف را در بار بنیامین می‌گذارند، ولی در قرآن جام پادشاه را.

۱۰. برخورداری از گذشت و ایثار: در هر دو کتاب، گذشت او درباره برادران به تصویر کشیده شده است و او بیان می‌دارد که از گناه آن‌ها می‌گذرد و هیچ کینه‌ای از آن‌ها به دل ندارد.

۱۱. احترام به والدین: در قرآن احترام او به پدر و مادر و در تورات احترام او به پدر به تصویر کشیده می‌شود؛ چون به نقل تورات، او در کودکی مادرش را از دست داده بود.

۱۲. برخورداری از برکت و توفیق خداوندی در زندگی و نیز برخورداری از تقوا و خداترسی: در تورات، در این زمینه تناقضی نیز وجود دارد و آن اینکه او برادران را بی‌دلیل زندانی می‌کند و سه روز در بازداشت نگاه می‌دارد و سپس می‌گوید: از خدا می‌ترسم. در صورتی که این دو با هم قابل جمع نیستند؛ زیرا کسی که از خدا می‌ترسد، کسی را بی‌دلیل زندانی نمی‌کند.

### ب) تفاوت‌ها

با وجود شباهت‌های بسیار بین فضایل اخلاقی و ویژگی‌های یوسف علیه السلام در قرآن و تورات، تفاوت‌هایی نیز میان این دو مشاهده می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. در قرآن، وقتی یوسف علیه السلام خواب را برای پدرش تعریف می‌کند، ایشان یوسف علیه السلام را به رسیدن به مقام والا بشارت می‌دهد، ولی در تورات بر او شکایت می‌کند. همچنین برادران نیز بر او شکایت می‌کنند. بنابراین شخصیت والای یعقوب علیه السلام و پیامبری او در قرآن بر خلاف تورات آشکار است.

۲. شخصیت پیامبری یوسف علیه السلام در قرآن بسیار آشکارتر از تورات است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۵۹). از جمله نشانه‌های پیامبری او در قرآن، وحی و الهام غیبی، علم و حکم (نبوت) و رسالت و دلایل روشن است که به واسطه آن مردمان را هدایت می‌کرد. هرچند در تورات نیز به فهم، دانش و عقل و حلول روح خداوندی در او توصیف می‌شود، اما در تورات از هدایت کردن او خبری نیست، بلکه این ویژگی‌ها در راستای انجام وظایف واگذار شده از سوی پادشاه به او نسبت داده می‌شود.

۳. تنها در قرآن، او از بندگان مخلص خدا معرفی شده است. در تورات، برای او ویژگی‌هایی بیان شده که نمی‌توان این وصف را برای او به کار برد؛ یعنی یوسف علیه السلام در تورات به کارهایی دست می‌زند که از یک پیامبر بعید است؛ مانند خبرچینی از برادران و بی‌دلیل زندانی کردن آن‌ها.

۴. تنها در قرآن، توکل او بر خدا و راز و نیازش با او، بهره‌برداری از فرصت‌ها، بیزاری از کفر و بی‌ایمانی، پیروی از آیین ابراهیم و دوری از شرک بیان می‌شود. این موارد از ویژگی‌های انبیاست که در یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک نمونه کامل بیان شده است، در صورتی که در تورات از این موارد خبری نیست.

۵. قرآن، یوسف را «صدیق» و تورات، «صفنات فصیح» می‌نامد (همان: ۳۶۳). درباره معنای «صفنات فصیح» در قاموس کتاب مقدس آمده است: اسمی است که فرعون بعد از آنکه یوسف را فرمان‌روای مصر قرار داد، آن جناب را بدان اسم نامید و بعضی را گمان چنان است که اسم مذکور از عبرانی مشتق است و معنایش «کاشف الاسرار» می‌باشد و دیگران آن را لفظ مصری دانند که معنایش «مخلّص العصر» می‌باشد (هاکس، ۱۳۷۷: ۵۵۶).

۶. تنها در قرآن، او برای برائت و اثبات پاک‌دامنی خود اقامه دلیل می‌کند. در صورتی که در تورات نه تنها به این کار نمی‌پردازد، بلکه تا پادشاه او را احضار می‌کند، به سرعت نزد او می‌رود. همچنین در تورات، پوطیفار او را گناهکار می‌داند و به این خاطر او را به زندان می‌اندازد، در صورتی که در قرآن به بی‌گناهی او شهادت می‌دهد.

۷. تنها در قرآن، او فردی نگهدارنده و آگاه و نیکوکار معرفی می‌شود. البته تورات نیز نیکی او به برادرانش را بیان می‌کند و اینکه از گناه آن‌ها می‌گذرد و به آن‌ها بدی نمی‌کند. اما در کنار آن، کارهای دیگری نسبت به برادران انجام می‌دهد که نیکی او را زیر سؤال می‌برد، مانند خبرچینی از آن‌ها. بنابراین نمی‌توان این ویژگی را در تورات برای او اثبات کرد.

۸. تنها در قرآن بیان می‌شود که او حق پیمان را ادا می‌کند و بهترین میزبان است. در صورتی که در تورات نه تنها به میزبانی از برادران نمی‌پردازد، بلکه به آن‌ها تهمت جاسوسی می‌زند و آن‌ها را به زندان می‌اندازد.

۹. در قرآن، او عزیز مصر می‌شود، ولی در تورات به مقام دوم مصر می‌رسد. هرچند ممکن است تعبیرشان متفاوت باشد، نه خود سَمَت.

۱۰. تنها در قرآن، سفید شدن چشمان یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام و شفای آن به واسطه پیراهن یوسف عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌شود که از معجزات یوسف عَلَيْهِ السَّلَام است. در صورتی که تورات

معجزه‌ای برای یوسف علیه السلام بیان نمی‌کند. همچنین تنها در قرآن برادران به او نسبت دزدی می‌دهند.

۱۱. تنها در تورات، سبب نام‌گذاری، چوپانی با برادران، میزان عمر (۱۱۰ سال) و نام زن و فرزندان او بیان می‌شود. همچنین تنها در تورات بیان می‌شود که او فرزند دوران پیری یعقوب علیه السلام بوده است. اما در قرآن از این مسائل سخنی به میان نیامده است؛ چون هدف قرآن، بیان تاریخ زندگی یوسف علیه السلام نیست، بلکه درس‌آموزی از اوصاف حسنه اوست.

۱۲. تنها در تورات او به خبَرچینی از برادران می‌پردازد. در تورات، او با میل خود و به خواست پدر نزد برادران در صحرا می‌رود، ولی در قرآن، برادران او را با اصرار با خود می‌برند.

۱۳. تنها در تورات بیان می‌شود که خائنه پوطیفار به خاطر یوسف علیه السلام برکت یافت و نیز او مایه نجات خانواده‌اش بود. هرچند در قرآن نیز او مایه نجات خانواده‌اش است و آن‌ها را از قحطی نجات می‌دهد، اما به این ویژگی‌ها توصیف نشده است؛ چون شخصیت او در قرآن بسیار والاتر است.

۱۴. تنها در تورات، او به «نذیره» یعنی کسی که شراب نمی‌نوشد، توصیف شده است. همچنین تنها در برداشتی از تورات، او به دوری از چشم بد توصیف می‌شود.

## نتیجه‌گیری

۱. محوریت سرگذشت یوسف علیه السلام در قرآن، فضایل اخلاقی و شخصیت والای ایشان است، با این هدف که پندها و اندرزهایی را از زندگی او به مردم ارائه دهد. همچنین در بیان آن، ترتیب تاریخی ملاک کار نبوده است.

۲. محوریت آن در تورات، بیان تاریخ زندگی اوست، به طوری که حتی تولد، نام‌گذاری، میزان عمر، ازدواج و تعداد فرزندان او را بیان و جریان زندگی ایشان را به ترتیب تاریخی بیان می‌کند؛ یعنی از تولد شروع و به وفات ختم می‌گرداند.

۳. شخصیت یوسف علیه السلام در قرآن، بسیار درخشان‌تر از تورات است؛ چون با دلایل روشن آمده، هدایت شده و به هدایت مردم می‌پردازد، اما در تورات، از هدایت کردن

او خبری نیست و حتی به خبرچینی و تهمت جاسوسی زدن به برادران توصیف می‌شود.

۴. یوسف عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن، حتی برای برائت خود از تهمت به اقامه دلیل می‌پردازد، چه رسد به اینکه به کارهایی دست بزند که از یک پیامبر بعید است، اما او در تورات، علاوه بر کارهای غیر منطقی، کوچک‌ترین کاری برای برائت خود انجام نمی‌دهد.
۵. از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن در این داستان، بیان شهادت اشخاص مختلف بر پاک‌دامنی یوسف عَلَيْهِ السَّلَام است، در حالی که در تورات از این شهادت‌ها خبری نیست.
۶. فضایل اخلاقی و ویژگی‌های یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اختصاصی قرآن، اختصاصی تورات و مشترک بین قرآن و تورات. توجه به همین موارد مشترک نیز جایگاه و شخصیت والای ایشان را در قرآن نسبت به تورات نشان می‌دهد؛ زیرا در قرآن، بر خلاف تورات ایشان پیامبری است که از اشتباهات مصون است و در موقعیت‌های مختلف و در برخورد با مشکلات به بهترین نحو عمل می‌کند.



## کتاب‌شناسی

۱. آرام، محمدرضا، «بررسی داستان حضرت یوسف علیه السلام در تفاسیر قرآن با نگاهی به تورات»، فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۳۸، ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۵. اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، دستان، ۱۳۸۲ ش.
۶. ایروانی، جواد، «داستان یوسف پیامبر علیه السلام، اسوه‌های عملی و پیرایه‌های خرافی»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۳۰، ۱۳۸۷ ش.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، از عمق چاه تا اوج ماه: تفسیر سوره یوسف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، نورافشان، ۱۳۸۲ ش.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۹. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق محمدصادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. خازن بغدادی، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق و تصحیح محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
۱۵. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغه، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه آقابزرگ تهرانی، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۲۳. عاملی، علی بن حسین، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. قاسمی حامد، مرتضی، *از فرش تا عرش (پژوهشی در زندگی حضرت یوسف علیہ السلام)*، تهران، جاهدی، ۱۳۸۵ ش.
۲۶. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح و تعلیق سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. کاشانی، فتح‌الله، *زبدۃ التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۳۰. *کتاب مقدس تورات*، ترجمه ماشاءالله رحمان‌پور داود و موسی زرگری، انجمن فرهنگی اتصر هتورا، گنج دانش، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. *کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه فاضل‌خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. کهن، راب ا.، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، بی‌جا، یهودا حی، ۱۳۵۰ ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. هاکس، قاموس *کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. یزدان‌پرست لاریجانی، محمد حمید، *داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی*، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰ ش.